

همان، نثر و ادب



حسن فرزاد

سیاهپوست بودن: برگزیده شعر سیاهپوستان آمریکا

ثالث

سیاهپوست بودن
برگزیده شعر سیاهپوستان آمریکا

پل لورنس دانبر، جیمز ولدون جانسون، کلود مک کی
جورجیا داگلاس جانسون، کلاریسا اسکات دلانی و...
ترجمه حسن فیاد

شعر معاصر جهان

سرزمین آمریکا آوردند، اما این سیاهپوستان متمدن و مظلوم، آداب و رسوم و عناصر فرهنگی و هنری خود را نیز همراه آوردند و هنرشان با تمام ظلم و ستمی که در دوران تلخ بردگی بر آنها رفت، همچنان زنده ماند، پرورش یافت و بارور شد و با هنر دیگر مهاجران آمریکائی در هم آمیخت و یک نوع هنر ملی به وجود آورد.

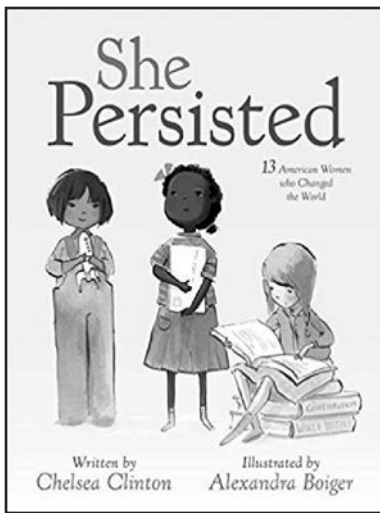
امروزه، بی شک، می توان گفت سیاهپوستان نه فقط سهم عمده ای در پرورش و گسترش زندگی مادی و آبادانی آمریکا، که در فرهنگ، هنر و ادبیات این سرزمین نیز دارند. علاوه بر این، در به وجود آوردن و شکل دادن به تمدن آمریکا، نیرویی سازنده و خلاق به شمار می روند.

با این حال، قدرت سیاهپوستان در این است که می توانند خصوصیات فرهنگی که از جامعه

«سیاهپوست بودن» برگزیده ای است از شعر سیاهپوستان آمریکا که آن را حسن فیاد، همکار گرامی نشریه «عاشقانه» انتخاب و ترجمه کرده و توسط نشر ثالث در ایران منتشر شده است. این کتاب همانطور که در مقدمه آمده است پیدایی و برآیند شعر شاعران سیاهپوست آمریکایی را که از زمان بردگی در این کشور آغاز شده است تا به امروز در برمی گیرد.

مترجم در یادداشتی بر شعر سیاهپوستان می نویسد: «مقام و منزلت هر ملتی، نه با ثروت و قدرت یا دست آوردهای علمی و اقتصادی و غیره که با معیار هنر و ادبیاتی ارزنده که آن ملت خلق کرده است، سنجیده می شود. گرچه سیاهپوستان را از سرزمین آباء و اجدادیشان، آفریقا، بر کنند و آنها را به عنوان برده برای فروش و تجارت به قاره جدید، به

کتاب جدید چلسی کلینتون



چلسی کلینتون، دختر هیلاری کلینتون که در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته به طور غیر منتظره و حیرت انگیزی از دونالد ترامپ شکست خورد، کتابی دربارهٔ کودکان نوشته است موسوم به She Persisted.

ماه گذشته بخش نشر کتاب های کودکان انتشارات پنگوئن اعلام کرد این کتاب در ماه می سال جاری منتشر خواهد شد.

چلسی کلینتون در کتاب خود از سیزده زنی سخن می گوید که هرگز جواب رد را نمی پذیرند؛ از جمله این سیزده زن، زنان مشهوری چون هریت تابمن، سونیا سوتومایر و اپرا وینفری را می توان نام برد. کتاب همچنین از زن نامعلومی نام می برد که تصور می شود هیلاری کلینتون، مادر چلسی است. تصویرگر این کتاب الکساندرا بویجر است.

چلسی می گوید: «من این کتاب را برای کسانی نوشته ام که همیشه خواسته اند از حق خود دفاع کنند ولی سرکوب شده اند. هر سیزده زنی که در این کتاب دربارهٔ آنها سخن رفته است بر موانع و دشواری ها پیروز شده اند و کشور ما بر اثر مساعی آنها شکل گرفته است.»

شدند. مترجم در ترجمه اشعار و انتخاب شاعران این کتاب در مقدمه آن می نویسد: «کوشش بر این بوده تا نمونه هایی آورده شود که رشد، تحول و تکامل شعر سیاهپوستان را از دوران بردگی تا به امروز بازتاب دهد. من ترجمه را عملی خلاق می دانم که باعث می شود اثری از زبانی دیگر به حاشیه ای ادبی در زبان جدید بدل شود. به بیانی دیگر، ترجمه شعر خوب انگلیسی باید همانند شعر خوب فارسی برای خواننده فارسی زبان، خواندنی و دریافتنی باشد. کوشش من بر این بوده تا در حد توانایی خود، این شعرها را خواندنی و دریافتنی کنم، طوری که خواننده بتواند کیفیت مؤثر شعر، دقت و زیبایی تصویرها و اصالت و تما میبتشان را درک کند و لذت ببرد، درست مثل اینکه شعر خوبی را می خواند که به زبان شیرین فارسی سروده شده است.»

ترجمه شعرهای این کتاب مثل اشعار خوب فارسی برای خواننده فارسی زبان واقعاً خواندنی و دریافتنی و لذت بخش است. تهیه و مطالعه این کتاب را به خوانندگان عزیز توصیه می کنیم و موفقیت مترجم گرامی را در ترجمه آثار ارزشمند دیگری خواهیم دید.

شاعری نیز تسلطی بی نظیر داشت. با اشعار خود سطح و معیار شعر و شاعری را ارتقاء داد. دانبر نخستین شاعر سیاهپوستی است که به اوج شعر و شاعری دست یافت و از چنین اوجی به نژاد خود نگریست. نخستین شاعری بود که بر طنز، خرافات، و کمبودهای سیاهپوستان نظر افکند، و برای نخستین بار از روی همدردی و یگانگی، قلب های مجروح، آرزوها، و امیدهای همزاد های خود را احساس کرد تا بتواند همه آنها را در شعرها، داستان ها و نوشته های خود بیان کند.

از زمان دانبر تا کنون، نسل های گوناگونی در عرصه شاعران و نویسندگان سیاهپوست به وجود آمده اند که باید آنها را زنان و مردانی اندیشمند، توانا و مسلط بر زبان و بیان و فنون و قالب های متداول شاعری و نویسندگی در ادبیات انگلیسی دانست؛ کسانی که به وسیله آنها شعر و ادبیات سیاهپوستان تحول و رشد و تکامل یافته است.

در این کتاب شرح حال و نمونه هایی از اشعار ۱۸ شاعر معروف و معتبر سیاهپوست آمریکایی ترجمه و گرد آمده است که برای اولین بار آن ها در نشریه «عاشقانه» منتشر

آمریکا پدید می آید، جذب کنند و از آن چیزی اصیل و خلاقه به وجود آورند. این امر چیزی بیش از توانایی سازگاری با محیط و جرح و تعدیل در آن است؛ کیفیت و استعداد برجسته و خارق العاده ای است که در آنها وجود دارد و به وسیله آن می توانند روح تازه ای در کالبد اثری هنری و خلاقه بدمند. هم از این روست که سیاهپوستان توانسته اند نه فقط هنر رقص و موسیقی، که شعر و ادبیات آمریکا را هم با نیروی احساس و اندیشه خود غنا و اعتلا بخشند.»

بی شک، شعر سیاهپوستان آمریکا با فیلیس ویتلی (Phillis Wheatley) آغاز می شود.

ویتلی را نمی توان شاعری بزرگ نامید - هر چند در زمان او نیز شاعر بزرگی وجود نداشت - اما ویتلی شاعری مهم است. اهمیت ویتلی در این است که از نظر زمانی، از سویی، اولین شاعر زن است و از دیگر سو، در بین همه شاعران آمریکایی، اولین شاعری است که از او یک مجموعه شعر چاپ و منتشر شده است.

پل لورنس دانبر (Paul Laurence Dunbar) را، بی تردید، می توان نخستین شاعر بزرگ سیاهپوست آمریکائی دانست که نه تنها بر احساس و اندیشه های شاعرانه که بر فن



فیلم جدید اصغر فرهادی به زبان اسپانیایی!

صحبت نمی کند جز اینکه می گوید این فیلم به وسیله پدرو و آگوستین المادوار تهیه خواهد شد و کمپانی ممنتوفیلیم آن را به پخش کننده ها خواهد فروخت.

فرهادی بارها گفته است که سناریو با فکری در ضمیر نیمه آگاهی آغاز می شود و خودش را نمایان می سازد. او بیشتر کتاب می خواند تا اینکه فیلم تماشا کند: «امروز کتاب های خوب بیشتر از فیلم های خوب وجود دارد. در گذشته این قضیه بر عکس بود. هرچند هنوز فیلم های محدود خوبی می توان یافت ولی ادبیات خوب و برجسته همچنان بر فیلم برتری دارد. فیلم ها گویی به سوی نوعی همانندی سوق داده شده اند و خیلی شبیه یکدیگرند؛ در حالی که در ادبیات تنوع بیشتری به چشم می خورد.»

هنرپیشه ها نقش های متفاوتی به عهده دارند. فرهادی که به وسیله مترجمی صحبت می کرد، اظهار داشت: «من اسپانیایی نمی دانم؛ به همین جهت سناریو را به فارسی نوشته ام و به اسپانیایی ترجمه خواهد شد. در فاصله این چند ماهی که به فیلمبرداری مانده است، سعی دارم با زبان اسپانیایی و آهنگ کلام آن بیشتر آشنا شوم و بکوشم به بهترین وجه از این آشنایی در فیلمم استفاده کنم.»

فرهادی که فیلم «گذشته» را در فرانسه ساخته، بر این باور است که: «ساختن فیلمی در خارج از ایران به دیدگاهش آسیب نخواهد رساند. تغییر زبان به منزله تغییر صدا نیست. صدای من، همدلی با همه شخصیت های فیلم است. همدلی امری همگانی است.» فرهادی خیلی زیاد درباره داستان فیلم هایش

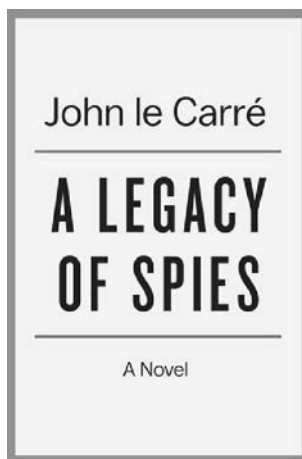
اصغر فرهادی که اخیراً دومین جایزه اسکار را برای فیلم «فروشنده» دریافت کرد، اعلام کرده است که فیلم جدیدش را به زبان اسپانیایی و با شرکت دو هنرپیشه سرشناس اسپانیایی، حاویر باردوم و پنه لویه کروز، در ماه سپتامبر در اسپانیا خواهد ساخت. قرار است این فیلم در فصل سینمایی سال آینده، ۲۰۱۸، به نمایش عمومی در آید. فرهادی می گوید: «این بار نیز، این فیلم مثل همیشه، در باره خانواده و روابط خانوادگی است منتها چند زوج متفاوت در این فیلم بازی می کنند. این بدان معنی نیست که هنرپیشه هایی مثل حاویر باردوم و پنه لویه کروز که در زندگی واقعی زن و شوهر هستند، در این فیلم هم نقش یک زوج را بازی می کنند، بلکه هر کدام از



افسانه جدید جورج سمایلی داستانی تازه از جان له کاره

شخصیت اصلی رمان متمرکز می‌کند و به بررسی این نکته می‌پردازد که چه چیزی باعث می‌شود که کسی به زندگی جاسوسی گرایش پیدا کند. اکنون که جنگ سرد پایان یافته، له کاره توجه خود را به نقش جاسوسی در سیاست رهبران ممالک دنیا معطوف کرده است. یکی از مشهورترین جاسوس‌های خود را به نام جورج سمایلی، پس از بیست و پنج سال غیبت در رمان‌های پیشین، وارد رمان جدید خود موسوم به «میراث جاسوس‌ها» (Legacy is a spy) کرده است که در پنجم ماه سپتامبر منتشر می‌شود. له کاره داستان را از دید گویلام روایت می‌کند که یکی از دوستان نزدیک و همکاران صمیمی سمایلی است و در بسیاری از رمان‌های له کاره نقش‌های متفاوتی داشته است. له کاره در این رمان باز به همان درونمایه جاسوسی در زمان جنگ سرد می‌پردازد. این رمان را نشر وایکینگ منتشر خواهد کرد.

واقع‌گرایانه تصویر می‌کند. جاسوس‌های او مثل جاسوس تنها و رمانتیکی نظیر جیمزباند، شخصیت معروف رمان‌های ایان فلمینگ، عمل نمی‌کنند بلکه جزئی از سازمان بوراکرات دولت هستند؛ سازمانی که له کاره آن را «سیرک» می‌خواند. با این حال، له کاره در رمان جالب «جاسوس تمام‌عیار» توجه خود را روی



جان له کاره یکی از رمان‌نویس‌های برجسته ایست که با استفاده از ژانر رمان‌های مهیج جاسوسی، همیشه به طرح مسایل مربوط به دوران جنگ سرد بین ممالک بزرگ جهان، عمدتاً روس و انگلیس، می‌پردازد. جان له کاره نام مستعار دیوید کورن ول است که در اکتبر ۱۹۳۱ در دورست، جنوب انگلستان به دنیا آمد. پس از یک دوره تحصیل به سنت طبقه مرفه و بالای جامعه انگلیسی، در سرویس خارجی بریتانیا به کار پرداخت تجربه‌هایی که در این سازمان اندوخت و مسایلی که آموخت، او را یاری کرد تا رمان‌هایی در باره دنیای جاسوسی و جاسوسان روسیه و انگلیس بنویسد.

در دهه ۱۹۵۰ دولت‌های روسیه و انگلیس جاسوس‌های مخفی برای به دست آوردن اطلاعاتی بویژه درباره اسلحه کشور دیگر استخدام می‌کردند. گاهی اوقات جاسوس‌ها برای به دست آوردن چنین اطلاعاتی ناگزیر بودند دروغ بگویند، تقلب کنند، یا دشمن را به قتل برسانند. چنین وضع و موقعیتی این معضل بزرگ را به وجود می‌آورد که آیا دولت‌ها محق هستند که برای حفاظت منافع دراز مدت کشور خود دست به چنین عملیاتی بزنند؟ این پرسشی بود که له کاره در سی و دو سالگی در اولین رمان موفق خود *The Spy Who Came In from the Cold* مطرح کرد. رمان چندی بعد با بازی جالب ریچارد برتون به فیلم موفقی نیز برگردانده شد. له کاره، بر خلاف رمان‌نویس‌های پیشین، دنیای جاسوسی و جاسوس‌ها را به صورتی

و فداکاری های این دو هنرپیشه را برای رسیدن به آرمان ها و تحقق بخشیدن به رؤیاهای خود باز می گوید. حالا که سروصداهای جوایز اسکار خوابیده است و فصل بهار و بعد تابستان در راه است، جاستین هورویتز، آهنگساز «عالم رؤیاها»، برای تجلیل از این فیلم، موسیقی و ترانه های آن را که خود ساخته است در تعطیلات آخر هفته ۲۶ و ۲۷ ماه می به صورت زنده و با ارکستری صد نفری در هالیوود بول لس آنجلس اجرا خواهد کرد.

دیمون شزل، کارگردان ۳۲ ساله این فیلم که جایزه اسکار را برای بهترین کارگردان سال از آن خود کرد، می گوید: « برای من، مهیج ترین و خرسندترین بخش های فیلم «عالم رؤیاها»،



موسیقی و ترانه های فیلم «عالم رؤیاها» بطور زنده اجرا می شود

موزیک متن و ترانه های آن بود که به وسیله ارکستری صد نفری عالی همزمان با تصویرهای رنگارنگ می نواختند و آهنگ جاستین را به طور درخشانی روی پرده زنده می ساختند.»

برای دوستداران موسیقی متن و ترانه های دلپذیر این فیلم به یاد ماندنی باید گفت هرچند آهنگ و ترانه های فیلم «عالم رؤیاها» به طور زنده نواخته خواهد شد ولی آوازهای اما استون، راین گاسلینگ و جان لجنند از پیش ضبط شده است.

که به تماشاگران لذت محض از تماشای هماهنگی جادویی تصویر و ترانه و موسیقی ببخشند؛ اما به قول اما استون، هنرپیشه اش، این فیلم صرفاً برای رؤیاپردازان ساخته و پرداخته شده است چرا که هر دو هنرپیشه زن و مرد نقش اول در تلاش معاش خود به فکر چیزی جز این رؤیا نیستند که یکی پیانیست مشهور جاز شود و کلوپ خودش را باز کند و دیگری نیز هنرپیشه سینما شود و دیگر برای دیگران کارهای سخت و سطح پایین انجام ندهد. در واقع داستان فیلم، نگرانی ها، عدم اعتمادها و تشویش ها

فیلم «عالم رؤیاها» که نامزد ۱۴ جایزه اسکار شده بود و سرانجام در رقابت با فیلم «مهتاب» شکست حیرت انگیزی خورد، یکی از فیلم های خوب و محبوب سال های اخیر است. این فیلم داستان پسر و دختری را باز می گوید که با یکدیگر آشنا می شوند و نرد عشق می بازند و بعد عشق آنها به خاطر حرفه ای که هر کدام برگزیده اند، به جدایی می انجامد. یکی از تهیه کنندگان فیلم هنگام دریافت جایزه اتحادیه تهیه کنندگان آمریکا که این فیلم را بهترین فیلم سال شناخته بود، گفت که این فیلم هدفی جز این ندارد